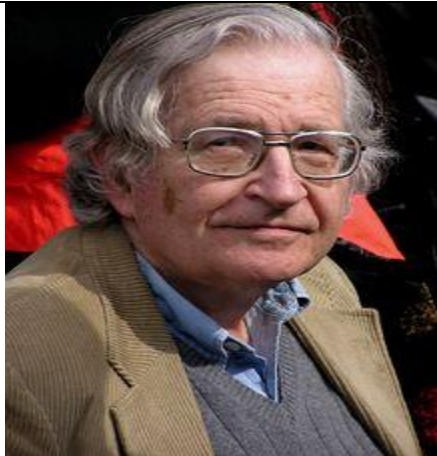


نوآم چامسکی " اوبا ما بدتر از بوش و بلیر مصاحبه جریمی پاکسمن با نوآم چامسکی برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

قبل از آنکه به مصاحبه جریمی پاکسمن با نوآم چامسکی
بپردازیم بهتر خواهد بود تا در مورد بیوگرافی آنها کمی مکث نمایم
که به این اساس توجه شما را ذیلاً به آن معطوف میدارم



اورام نوآم چامسکی : در «7» دسمبر سال «1928» در فلادفیا، پنسیلوانیا در خانواده یهودی و روس تبار به دنیا آمد، چامسکی زبان شناس، فیلسوف آنارشیست و نظریه پرداز امریکایی است. از او بعنوان پدر زبان شناسی مدرن یاد می شود نظریه معروف وی دستور زایشی گشتاری است که در دهه شصت میلادی انقلابی در زبان شناسی معاصر ایجاد کرد تا پیش از نظریات وی از ماهیت زبان و چگونگی یادگیری زبان توسط انسان درک درستی وجود نداشت. مقالات و کتاب های نوآم چامسکی آغازگر پژوهش های نوینی در عرصه روانشناسی زبان گردید. همچنان وی مقالات متعددی در نقد سیاست خارجی دولت ایالات متحده امریکا دارد. وی استاد بازنشسته دبیرتامن فلسفه و زبان شناسی موسسه تکنولوژی ماساچوست امریکا است

جریمی دکسن پاکسن در یازدهم ماه می سال «1950» در انگلستان تولد یافته او یک ژورنالیست انگلیسی ، مولف و برودکاستر برجسته و مشهور میباشد و از سال «1977» به اینطرف برای بی بی سی کار میکند .



مصاحبه جریمی پاکسن با پروفسور نوآم چامسکی



جریمی پاکسن

نوآم چامسکی

جریمی پاکسمن: پروفیسور چامسکی، زمانی که شما هزاران نفر از مردم رادرخیا بانهای مصرولیبی درحال تظاهرات تماشا می نمودید بشما چه تفکر واندیشه ای رخ داد؟

نوآم چامسکی: خوب، آنچه که در جهان عرب اتفاق افتاد واقعاً که یک نوع خیزش های کامل و دیدنی و جذاب بود و من واقعاً نمیتوانم این رویداد تاریخی را با حوادث و رویداد های دیگری کاملاً مقایسه نمایم ولی اتفاقاً در جهان مابین یگانه رویدادی نیست که نتوانیم از رویدادهای دیگری نام ببریم مثلاً بگونه مثال میتوان از تظاهرات «70» هزار نفری مردم که درخیا بانهای مدیسون – واسکنسن «ایالات متحده امریکا» که چند روز پیش صورت گرفت و تاهمین اکنون دوام دارد خاطر نشان سازیم پس در اینصورت میتواند که در جهان بسیاری اتفاقات بوقوع بپیوند.

جریمی پاکسمن: شما در شمال افریقای دنیای عرب بویژه به ارتباط از سرگیری مبارزات و تظاهرات مردم چه احساس می نمایند.

نوآم چامسکی: خوب، این کاملاً واضح و روشن است که مردم چرا دست به تظاهرات میزنند ولی لیبی چیزی از مورد خاص است، اما تونس، مصر نیز خصوصیت مختص بخود را دارند و به همین منوال کشور های دیگری. آنها اساساً خواستار تغییر رژیم و خاتمه بخشیدن به اریکه قدرت دکتاتوران شان میباشند دیکتاتورانیکه توسط غرب تحت حمایت قرار دارند.

جریمی پاکسمن: آن چگونه است و شما از آن چه احساس دارید؟

نوآم چامسکی: قبل از همه باید گفت که چیزی اتفاق نمی افتد، منظورم اینست که آنها پرابلم های بیشتر داخلی و خارجی دارند، توجه باید داشت که این یک دستاورد قابل توجه بوده است که تا هنوز این رژیم ها دست نخورده باقی مانده اند منظور من اینست که تنها نام رژیمها تغییر خورده درحالیکه هیچ نوع تغییرات در بخش وضع اجتماعی – اقتصادی

و سیاسی در این کشورهای متذکره بچشم نمی خورد .
جریمی پاکسمن : شما در مورد تظاهرات مردم علیه رژیم ها صحبت می نماید که رژیم ها از حمایت غرب برخوردارند (اشاره سر توسط نوآم چامسکی) آیا مشخصه این تظاهرات اینطور نیست و یا چنین نخواهد بود که غرب وسیعاً در عقب تظاهرکننده گان علیه دیکتاتورها قرار داشته باشد ؟

نوآم چامسکی : قطعاً نه ، در واقع آنچه که اتفاق افتاده است به دنبال یک برنامه قبلاً طرح شده ای یک بازی استا ندارد بوده که بار بار مورد استفاده قرار گرفته است ، مارکوس «Marcos» در فلیپین ، دوبایلیر « Duvalier » در هایتی ، چون «Chun» در کوریایی جنوبی ، سوهارتو در اندونیزیا . منظورم این است که شما بالاخره به نقطه ای میرسید که دگر نمیتوانید دیکتاتور مورد نظر و علاقه خود را برای مدت بیشتر تحت حمایت قرار دهید ، پس در اینصورت میتوان گفت که وقوع همچو اتفاقات در هر زمان ممکن شده میتواند که بوقوع بپیوندد. همانطوریکه اکنون در اینجا اتفاق افتاد یعنی که دیکتاتورها تا جای و تا زمانی که ممکن بود برای مدت طولانی تحت حمایت غرب قرار داشتند اما اکنون که شرایط دگر گون شده بحکم زمان ، غرب دیگر از دیکتاتور به هیچ وجه حمایت و پشتیبانی نمیکند و یا نمیتواند و در صد آن میشود که ارتش را علیه آن دیکتاتور بر می انگیزد و یا برای خلع و از بین رفتن دیکتاتور به مانورهای دیگری دست میزند و در همین وقت است که علاقه و دلچسپی غرب به اشاعه دموکراسی بیشتر میگردد و در کنار مردم و مخالفین دیکتاتور قرار میگیرد و به دیکتاتور چنین افاده می نماید که مردم دگر شما را نمی خواهند و بدین شکل با صد حيله و نیرنگ بمنظور حفظ رژیم از هیچ گونه تلاش و مانور دریغ نمی ورزد.
جریم پاکسمن : خوب ، یقیناً که این نظر در مورد لیبی درست نمی باشد همینطور نیست ؟ چونکه لیبی برای سال و سال های چندی دشمن غرب

بود .

نوآم چامسکی : البته که این یگانه موردی بود که من قبلاً در آغاز از آن تذکر بعمل آوردم که موضوع لیبی در واقعیت یک مورد بویژه و خاصی بود که به هیچ وجهه نظیر رویداد های دیگری نبود یعنی آنچه که در لیبی رخ داد واقعاً مشتعل شدن یک جنگ داخلی بود .
جریم پاکسمن : شما احساس نمیکنید ویا این را تایید نمی نماید که غرب بگونه مثال از تظاهر کنندگان در قاهره حمایت بعمل می آورد ویا شما چنین نمی اندیشید که این رویداد بجز از یک اقدام سیاسی واقعی چیزی دیگری نبود ؟ همنطور نبود ؟

نوآم چامسکی : قبل از همه باید گفت که این اتفاق رخ نداد ، منظور من اینست که فرصت ویا زمان حمایت از حسن مبارک به پایان خود رسیده بود بگونه مثال تونی بلیر در وسط تظاهرات از موقف دولتی خود کنار رفته بود و دیگر جای تایید برای او نه مانده بود که حسن مبارک را به صفت یک انسان خوب و شجاع توصیف نماید واز جانی دگر او باما واقعاً که درین فرصت سخت زیر فشار قرار داشت و بادر نظر داشت همین دلیل او فرانک وایسنر «Frank Wisner» را به حیث میا نجی و نما ینده خود نزد مبارک اعزام نمود تا برای مبارک بگوید که در قدرت باقی بماند ولی درین زمان تظاهرات در نقطه اوج خود رسیده بود و او باما مجبور شد تا در مورد یک حرکت سیاسی نسبتاً ملایم بنماید و آن اینکه او طی یک بیانیه اش از تظاهر کنندگان حمایت خود را اعلام داشت نه چیزی بسیار دگر .

جریم پاکسمن : شما چه فکر میکنید که دولت های غربی چه باید میکردند ؟

نوآم چامسکی : آنچه که باید رهبران غرب واز جمله امریکایی ها میکردند ؟ باید از مدت ها قبل دست از حمایت دکتاتوران بر میداشتند و طوری عمل میکردند که باید به خواسته های تظاهر کنندگان تن

در میدانند و از هر نوع تشبث و مداخله دست برمی‌داشتند منظورم ازین تذکر به این دلیل است که با توجه به نظر سنجی‌هایکه توسط غربی‌ها و امریکایی‌ها صورت گرفته چنین معلوم شده است که تقریباً «90%» مردم، امریکا را دشمن اصلی خود میدانند که این خود یک دلیل روشن میتواند تلقی شود.

جریم پاکسمن: پس شما اینطور می‌اندیشید که غرب با دید هرچه زودتر از حمایت دولت و اداره مصر بگونه مثال دست می‌کشید؟

نوآم چامسکی: خوب، نه کاملاً، من فکر میکنم که جوانه این واکنش از مدت‌ها قبل ریشه گرفته بود بخاطر داشته باشید که اگر این تظاهرات در حال حاضر طوفانی گردیده است ولی انگیزه و مایه آن از مدت‌ها قبل وجود داشت، بگونه مثال کارگران در مصر از سالیان متما دی به اینسو مبارزه مهم و شدید و بی‌پایان و وقفه را پیش می‌بردند از آنجمله شما از جنبش و خیزش بیست و پنجم جنوری کاملاً واقف هستید و یا بهتر میدانید که قیام و خیزش توسط یک گروه بنام گروه «6» اپریل رهبری می‌گردید، گروه «6» اپریل کسانی بودند که تکنولوژی مبارزه و همبستگی را به نسل جوان با زرنگی و دانای خاصی می‌آموختند، و به همین دلیل ششم اپریل در تاریخ مبارزات مصر یک روز خاصی شمرده میشود یعنی تاریخ از یک اعتصاب بزرگ و پیشتیبانی از یک اقدام برنامه ریزی شده در محله (Mahalla) صنایع نساجی مصر که با زور و فشار شکستانده شد اعتصابی بود که چند سال قبل صورت گرفته بود.

جریم پاکسمن: ایا شما آن را قابل توجیه میدانید که بسیاری از این تظاهر کنندگان چنین به نظر میرسد که آنها خواهان آزادی‌های نوع آزادی غرب هستند طوری که شما اکثراً فرموده اید که ترجیحاً چندان گمراه کننده نیست؟

نوآم چامسکی: خوب، آنها گمراه کننده است، در صورتیکه اگر ما به آنها اجازه دهیم که گمراه شوند. در واقعیت امر آنچه که در

مدیسون - ویسکنس اتفاق افتاده بیشتر به این رویداد در ارتباط میباشد و یا شباهت نزدیک به این رویداد دارد، چنانچه شما میدانید که در وسط یکی از مهیج ترین لحظات از اعتراض جوانان و تظاهر کننده گان مصر، کمال عباس، رهبر شناخته شده کارگران مصر با ارسال پیامی به تظاهرکنندگان مدیسون پیشتیبانی خود را از مبارزات برحق شان مخابره کرد، و شما نیز میدانید که اعتصاب کنندگان درمدیسون (امریکا) تلاش می ورزند تا اساسات و الیمنت های دموکراسی را که کاملاً در تحت حملات شدید گروه حاکمه قرار دارد حفظ و حراست نمایند و از جانبی اعتصاب کنندگان در مصر تلاش می ورزند تا آزادی شان را بدست آورند که از آزادی محروم ساخته شده اند؟ مدار این اعتصابات در حال عبور است و آنها در جهت مخالف در حال حرکت هستند.

جریمی پاکسمن: ایا شما فکر میکنید که غرب نباید در لیبی به مخالفین سلاح میداد؟

نوآم چامسکی: چنانچه من دریکی از سوالات قبلی بشما گفتم که لیبی یک مورد خاصی داشت یعنی که در لیبی جنگ داخلی رامشتعل ساخته بودند پس در اینصورت ایالات لازم بود که باید ایالات متحده امریکا با متحدین غربی اش در آن کشور مداخله نظامی می نمود؟ من چنین فکر میکنم که نه باید مداخله صورت میگرفت.

باید خاطر نشان ساخت که قبل از پیشکش این سوال در اینجا از مدت ها قبل معضله ای وجود داشت و آن اینکه قبل از همه مردم در انتظار همچو وضع نبودند با وجودیکه با دلایل چندی غربی ها از آنها متنفر بودند و سرزبانها بود که میگفتند لیبی باید برداشته شود. بخش شرقی لیبی کاملاً آزاد بود یعنی محلی بود که بعد از جنگ جهانی اول یکی از نسل کشی ترین منطقه در جهان بود که ایتالیا در آن وخت لجام قدرت را بدست داشت که ممکن ما آنرا بخوبی بیاد نداشته باشیم چونکه تاریخچه آن از زمان تسلط انگلستان و فرانسه که سابقه بس طولانی دارد ممکن

از خاطره ها فراموش شده باشد .

سلسله تازه از شورش ها و قیام های پی در پی در ماه نومبر گذشته در صحرای غربی آغاز شد منطقه ای که تحت استعمارزدایی قرار گرفت که قبلاً از جمله مستعمرات هسپانیه بود و قرار بر این شد که این سر زمین از قید استعمار آزاد گردد ولی «30» سال قبل مراکو به این حیطة و صحرا تجاوز نمود که در نومبر گذشته در بیش از ده ها شهر صحرا مردم دست به اعتصاب و راهپیمایی مسالمت آمیز زدند و مبرمیت موضوع راجدی گرفته معضله رابه سازمان ملل متحد بغرض ارزیابی تخنیکی ارجاع نمودند که البته متاسفانه فرانسه مانع این ارزیابی گردیدکشوریکه حمایت کننده اصلی مراکو میباشد بنا بر این اگر شما بتاریخ استعمارگری زشت غرب مراجعه نماید فرانسه رادر منطقه یکی از بدترین چهره های زشت استعمار گری خواهید دریافت .

واگر ما در مورد تجاھل عارف نمایم ولی تاریخ آنرا از نظر نسل های آینده پنهان نگاه نخواهد کرد برای قدرتمندان اگر تاریخ به حیث (تخت خواب سفری است) ولی باید درک نمود که برای قربانیان همچو تجمل و شکوه قابل دسترس نبوده و آنها از همچو تجمل محروم هستند .

بگونه مثال : آنها شاید به یادداشته باشند آنچه را که ما دوست نداریم به خاطر آوریم و آن اینکه طی سالهای «1950-1958» آیزنهاور رییس جمهور ایالات متحده امریکا در حضور داشت ستاف و مامورین اداری خودسوالی رابه این مضمون طرح و پیشکش نمود و آن اینکه چرا مردم جهان عرب علیه ایالات متحده امریکا نفرت و انزجار دارند و به ادامه همچو بد بینی و انزجارشان کمپاین وسیع رابراه انداخته اند ؟ ولی نفرت و انزجار نه از جانب دولت ها و یا حکومت های عرب که کم و بیش ما از آنها حمایت و پشتیبانی می نمایم ، قابل یاد آوری است که شورای امنیت ملی و پلان گذاران بلند مقام ایالات متحده امریکا طی سال «1958» با انجام یک رفرندم دریافتند که ایالات متحده امریکا از

دیکتا توران وحشی و خود کامه و خشن جهان عرب حمایت می نماید و در راه تامین دموکراسی و توسعه با تمام توان و نیروی اش سنگ اندازی می نماید که البته این خودیک واقعیت انکارناپذیر است چونکه ما به همین عمل دست میزنیم و آن اینکه ما میخواهیم که بر منابع انرژی جهان عرب کنترل دائمی داشته باشیم اود رادامه می افزاید که این درک و فهم کم و بیش دقیق است و آن اینکه ما همچو پالیسی را تا هنوز دنبال می نمایم .

از جانب دیگر چیزی که نباید از آن انکار کرد اینست که ما از جمله آخرین کسانی می باشیم که در امور داخلی کشورهای عرب مداخله می نمایم با وجودیکه راهها و مواردی بیرون مداخله نظامی همین اکنون وجود دارد مثلاً قسمیکه همین اکنون جلسه ای از کشورهای برازیل و هندوستان و افریقای جنوبی در حال انعقاد است و تلاش می ورزند تا اگر بتوانند نقش میانجی را (بخصوص در ارتباط پرابلم لیبی.. از مترجم) بازی نمایند و از گزینش برخوردهای نظامی بکاهند و از جانیی طوریکه من راپور تایید نشده ای رویتر را از نظر گذرانیده ام چنین بوده که معمر القذافی پیشنهاد نموده بود که اگر شرایط برای او مساعد ساخته شود او حاضر است که کشورش را ترک نماید .

جریم پاکسمن: البته طبق منبع آژانس الجزیره .

نوآم چامسکی: الجزیره یکی از بهترین آژانس های خبری در جهان می باشد .

جریم پاکسمن: منظورم از این منابع از جمله بعضی از منابع مخالف اند. **نوآم چامسکی:** من متاسفم ولی باید اذعان کرد که این مطلب را مردمی از بین شورشیان تایید نموده اند شما نباید آژانس الجزیره را به بازی نه گیرید ، من قبلاً گفته بودم که گزارش تایید نشده بوده ولی بعداً این خبر ارزش خود را نشان داد ، پس نباید فراموش کرد که بیساری از چیزها ارزش و اهمیت خود را بعداً آشکار می سازند مثلاً مید یا

ویا مطبوعات عرب اگر شما آن را مطالعه نموده باشید از جمله لندن مبنی به این پیشنهاد که بعضی از آژانس های خبری بعضی از کشورهای قابل احترام در منطقه مانند مصروت ترکیه نسبت به آژانس های خبری کشور های منفور در منطقه قابل باور و اعتماد است.

جریم پاکسمن : پس در اینصورت آن چه است که انجام نشده است ؟

نوآم چامسکی : از همه اولتر ما نپرسیده ایم که چه را باید انجام دهیم ویا چه چیزی را به سر رسانیم بلکه ما در اکثر موارد چنین پیشنهاد نموده ایم ویا سوال طرح نموده ایم که از این رویداد ها باید دور رویم یعنی که در آن از مداخله بپرهیزیم تنها باید بخوانیم و بدانیم که موضوع از چه قرار است و باید به مداخله گران اذعان نمایم که دگر از مداخله دست بردارند ، ایا این کافی نیست که دست اینها تا ارنج در خون مردم بی گناه غرق و فرو رفته است .

سوالی که ماباید چه بکنیم ویاچه میتوانیم انجام بدهیم مربوط ما نیست یعنی که ما تنها در جهان کسانی نیستیم یا که بگونه مثال بگویم برازیل یک کشور قابل احترام است ویا ترکیه در منطقه درگیر در معضله پس در اینصورت اگر به دنیای عرب نظر انداخته شود واز خود پرسیم که کدام یکی از جمله رهبران در منطقه قابل احترام است جواب سوال مان را در خواهیم یافت که اردوگان «Erdogan» نخست وزیر ترکیه البته تا حال ولی خاتمه مستور است. بلی این خود یک احساس را میدهد.

جریم پاکسمن : اما ما مسولیت داریم ، یا که هیچ نوع مسولیتی نداریم ؟
آنطوریکه شما فرمودید که چیزی و یا کسی که مسول است مسول به سا دگی درگیر در مورد نمیشود .

نوآم چامسکی : ممکن آن زمان فرا خواهد رسید ویا این احساس دست خواهد داد که غرب درین منطقه کاملاً دست داشته و پرده ای از روی سابقه شقاوت و جنایات غرب برداشته خواهد شد .

سوال اینست ؟ که ایا آنوقت خواهد رسید؟

در اینجا هستند کسانی که در وضعیت خوبی قرار دارند و ممکن است که قادر به انجام چیزهای خوبی باشند که بتوانند به نوع از آشتی و یا حد اقل به حیث میانجی معضله را حل و فصل نمایند و در غیر آن من بسیار این احتمال را می بینم که لیبی به دو کشور جداگانه مبدل خواهد شد.

جریمی پاکسمن : ما میدانیم چرا که ما دیده ایم آنچه که شما درین مورد میگوید ، ولی چیزی قابل سوال این است که بوش و بلیر در شرق میانه چه پیشینه و یا سابقه ای را بجا گذاشتند ایا شما فکر نمی کنید که او با ما نظر به آنها خوب و بهتر است ؟

نوآم چامسکی : او با ما از بسیاری جهات بسیار بدتر است

جریمی پاکسمن : چرا ؟ من شروع به نوشتن کتاب در مورد او قبل از انتخابات نمودم .

جریم پاکسمن : چرا او بدتر است ؟

نوآم چامسکی : خوب ، میخوامم به تفصیل موضوع بپردازم .

(جریمی پاکسمن : بفرماید .)

در مورد افغانستان :

او یعنی او با ما جنگ را در افغانستان شدید تر ساخت یعنی آتش جنگ را بیشتر شعله و رساخت و با این برخورد و اقدام زمینه تهدید و پروپاشی را در پاکستان میها ساخت که این خود برای غرب میتواند یک فاجعه تلقی شود برای ثبوت و توضیح این مطلب بجا خواهد بود که خلاصه و فشرده مقاله اناتول لیبین (Anatol Lieven) را که او خود یک پاکستان شناس چیره دست است و مقاله اش که در این روزها زیور چاپ یافته است در اینجا از آن ذکر بعمل آورم : او در مقاله اش چنین نوشته و در آن نتیجه گیری نموده است: سربازان بریتانیا و ایالات متحده امریکا هر روز در افغانستان می میرند و یا به قتل میرسند که این

خود پر ابلم بسیار جدی را برای بریتانیا و امریکا بوجود آورده است و یا این قتل و قتل خطرات مدهشی را در قبال خواهد داشت او میگوید که دلیل این کشتار ها ناشی از تهدید و پروپا شی که متوجه پاکستان است میباشد و آن اینکه پاکستان کشوری است که از یک جانب دارای انبار سلاحهای هستوی است و از جانبی مرکز فعالیت های مسلمانان افراطی که همه جانبه از سوی غرب حمایت و پشتیبانی میگردند ولی اوباما با این عمل و اقدام که جنگ را در افغانستان شعله ور ساخته در واقعیت امر تهدیدی را متوجه خود و متحدین غربی خود مبنی بر تهدید و پروپا شی پاکستان می سازد . **اجازه دهید تا کمی بجلو روم** : من در صحبت خود اندیشه و نگرش آقای اوباما را به دنبال طرح بازی معمول اودر مصر قبلاً خاطر نشان ساخته بودم که در اینجا میخواهم کمی در مورد چنین مکث نمایم :

بگذار تا به ارتباط موضوع اسرائیل / فلسطین چیزی بگویم : منظورم اینست ، که وضعیت و پالیسی را که اوباما در قبال اسرائیل / فلسطین در پیش گرفته است بسیار تکان دهنده و شوک آور است ، یعنی که او در مورد حل معضله اسرائیل / فلسطین به هیچ اقدام بهی خواهانه تا کنون مبادرت نورزیده و یا نمی خواهد که اقدامی بنماید این تنها سازمان ملل متحد بود که چند هفته قبل قطعنامه ای مبنی بر توقف و عدم گسترش شهرک سازی اسرائیل در خاک فلسطین تصویب نمود و در آن اقدام اسرائیل را کاملاً غیر موجهه و غیر قانونی پنداشت ولی این اوبام ریس جمهور ایالات متحده امریکا بود که این قطعنامه را کاملاً ویتو کرد و همچنان این اوباما بود که قطعنامه مشابه مجمع عمومی سازمان ملل متحد را هفته قبل بگونه مشابهه با چند کشور از جزایر اوقیانوس آرام رد نمودند و به آن مخالفت خود را نمایان ساختند .

اینست پاسخ من به سوال شما در ارتباط آقای اوباما که همچوپالیسی ها را در پیش گرفته است .

جریمی پاکسمن : گفته ای معروف شما است که گفہ بودید : بعد از جنگ دوم جهانی باید هر ریس جمهور ایالات متحده امریکا نسبت به شکست و خطاها و درماندگی که در مسایل جهانی مرتکب شده اند در نورمبرگ به دار آویخته میشدند ، ایا شما تا همین اکنون عین اندیشه و نظر را در سر می پرورانید ؟

نوآم چامسکی : من نگفته ام که آنها به دار آویخته میشدند و یا نه گفته ام که هر یک آنها به دار آویخته میشد ، بلکه من گفته بودم که اگر ما به اساسات و اصول نورمبرگ باورمند می بودیم باید که هر ریس جمهور ایالات متحده امریکا بغرض محکومیت شان به نورمبرگ تحویل داده میشدند و اینکه نورمبرگ در مورد شان چه تصمیمی اتخاذ مینمود آنوقت بود که طرف قضاوت ما قرار میگرفت ، این را باید بخاطر داشت : که تکیه به اساسات و اصول نورمبرگ باید داشت نه به محاکمات و یا نوع جزا و کیفر.

جریمی پاکسمن : پس اوباما با در نظر داشت اصول و اساسات نورمبرگ نمیتواند بهتر و شایسته باشد ؟

نوآم چامسکی : البته که او طبعاً اساسات نورمبرگ را در نظر نداشته است و او یعنی اوباما کسی است که جنگ را در افغانستان آنطوریکه قبلاً تذکر دادم تشدید نمود و بگونه مثال اوبطور قطع شریک تمام تهاجمات و جنایاتی که اسرایل انجام میدهد می باشد، از ماموریت او صرف دوسال سپری شده بود ولی هنوز افرصتی نداشته تا بالای هرکسی حمله و تجاوز نماید ولی آنچه که او در مدت ماموریت اش تا کنون انجام داده است کاملاً آنچه بوده که قبلاً توسط دیگرها انجام داده شده است .

جریمی پاکسمن : شما در این جنبش و حرکت مردمی دنیای عرب رادراتباط به میتودولوژی که بنام تکنالوژی غرب یاد میشود نظیر فیس بوک ، توئیتر و از همه که بیشتر مورد استفاده قرار میگردد بشمول افزار

ووسایل اضافی چه می اندیشید ویا چه احساس دارید قسمیکه مردم بااستفاده ازین تکنالوژی میتوانند مخالفتهای شان را صریحاً ابراز نمایند مثلاً در مورد مصر طوریکه شما فرموده اید سرنگونی یک رهبر وگماریدن رهبران دیگریکه مطابق میل وخواست غرب باشد .

نوآم چامسکی : نه ، من که گفته ام ، این تکنالوژی کاملاً گوارا و مورد علاقه ای کامل من است و من موافقم که باید این تکنالوژی هرچه بیشتر گسترش یابد چنانچه همین اکنون در انستیتوت تحت نظر من این تکنالوژی وسیعاً مورد استفاده بوده و بودجه آن در تحت نظر پنتاگون قرارداد دارد ، باید خاطر نشان گردد که در تکنالوژی کدام نقص وخطا وجود ندارد من خود از کمپیوتر و از انتر نیت همه جانبه کار میگردم و مورد استفاده ام قرارداد دارد . { سکوت }.

جریمی پاکسمن: ایا شما آن چیزی را که در راه است و دارد که مردم به آن طی طریق نمایند تا بتوانند از این تکنالوژی خود شان طوری استفاده نمایند که به باور شما موافق به آن اصول باشد که شما آنرا میخواهید در نیافته اید ؟

نوآم چامسکی: (شانه ها را بالا انداختن)- این تکنالوژی کاملاً چیزی درست و نورمال است منظورم استفاده کردن درست و بجا از آن باید باشد - برای یک چکش این هیچ فرقی نمی کند که بوسیله آن درکار اعمار یک تعمیر مورد استفاده قرار گیرد ویا برفرق یک محبوس کوبیده شود پس مطلب اصلی این است که از تکنالوژی باید استفاده درست صورت گیرد .

جریمی پاکسمن: اما توانایی ویا بکار انداختن انتشار اطلاعات و انتشار باورهای مشترک چیزی خوبی میتواند باشد ایا همینطور نیست ؟

نوآم چامسکی : البته که چیزی خوبی است و به همین دلیل است که من گفتم که انتر نیت یک وسیله خوب ویا یک افزار خوب و بهتر است و پنتاگون نیز مبنی بر اینکه بودجه انتر نیت را متعهد شده است و زمینه

رابرای انکشاف و گسترش آن طی دهه ای میسر ساخته است کار بزرگ
و در خور ستایش است .

جریمی پاکسمن : ایا این خودانعکاس خوبی از دموکراسی غرب نیست ؟
نوآم چامسکی : خوب ، اگر منظور شما این باشد که پنتاگون نماینده
دموکراسی غرب است ، بلی ، اما در واقع هدف اصلی از انترنیت
فراهم آوری تسهیلات برای تامین ارتباطات میباشد .

انترنیت وسیله جالبی است و بودجه آن اساساً توسط نهاد پنتاگون
تامین میگردد در واقع انترنیت نهاد بنام «توسعه شبکه آژانس پروژه
های تحقیقاتی» (ARPANET) می باشد و در قدم نخست این شبکه اولاً
در خدمت ارتش قرار داشت که من در آنوقت در آن شبکه مصروف
خدمت بودم بعداً پنتاگون این شبکه را به بنیاد علوم ملی (National
Science Foundation) تحویل داد و از آن زمان تا کنون تقریباً
«30» سال میشود که انترنیت نه تنها در ایالات متحده امریکا بلکه در
همه جاها مفت و رایگان مورد استفاده همه قرار میگیرد و تا هنوز یعنی
تا دهه «90» تحت داد و ستد تجارتي قرار نگرفته است ولی پیوسته
تلاش صورت میگیرد تا انترنیت را در تحت کنترل در آورند ولی
بهر صورت تا کنون انترنیت یک تکنالوژی کاملاً آزاد و رایگان باقی
مانده است و یک عنصر از سیستم دولتی میباشد که ایا این وسیله به همین
منوال باقی خواهد ماند و در تحت انحصار قرار خواهد گرفت تا هنوز
معلوم نیست .

جریمی پاکسمن : البته این تحرک انترنیت است که مردم را بگونه فعال
با هم بسیج نموده است ایا همینطور نیست ؟

نوآم چامسکی : البته که بسیج کرده است ، بلی ، آنچنانیکه همین
اکنون مردم را در ویسکن سین (wisconsin) نیز برانگیخته و بسیج
کرده است در واقع من خود آگاهی ام را از تمام رویدادها و حوادث
رخداد ه دنیا به آسانی از طریق انترنیت بدست می آورم یعنی که این

انترنیت است که انسان را از تمام رویداد ها دنیا مطلع و آگاه می سازد که البته بیدون انترنیت مشکل است که به اسرع وخت توانست از تمام حوادث و رخداد های دنیای معاصر باخبر شد . ، همچنان نباید غافل بود که انترنیت بعضی اوقات به مقاصد دیگر نیز بکار میرود یعنی برای نظارت وکنترول و تبلیغات و ...

یک سوال خیلی جدی اینست که آیا ارایه دهندگان و تهیه کنندگان چونکه بسیاری از آنها در موقف ووضیعتی نیستند که مستقیماً انترنیت را مورد استفاده قرار دهند و مردم را هدایت نمایند آنچه که آنها میخواهند ویا آنچه که مردم میخواهند . که این خود یک موضوع جدی و قابل ملاحظه است ویا هرچه جدی تر با ادغام جدید مانند کوم کاست ان بی سی (Comcast NBC) بطوریکه انترنیت بخودی خود در اصل گسترش بهتری یافته است و هیچ خطای ویا اشتباهی در آن متصور نیست اگر شما با قطار می آید ویا سفر میکنید میتوانید توسط انترنیت به کسی تیلیفون نماید ویا چیزی را چاپ نماید و یا کدام فعالیت دیگری از آن بنماید که این همه نمایندگی از گسترش و توسعه انترنیت می نماید.

جریمی پاکسمن: ایامیتوانم این گفت و شنید را با طرح یک سوال شخصی به پایان رسانم؟ شما همین اکنون چند سال دارید .

نوآم چامسکی: من « 82 » سال دارم .

جریمی پاکسمن : شما چرا شاداب و بشاش به نظر نمی آید ؟

نوآم چامسکی : اینکه من شاداب و بشاش به نظر نمی آیم دلیل آن اینست : که وقتی من به دنیا نگاه میکنم و رویداد های بی شماری را که یکی بعد از دیگری بوقوع می پیوند و ملاحظه می نمایم فکر میکنم که هرکس را همچو من شاید متاثر و خشمگین سازد ویا هرکس با نظاره و ملاحظه همچو رویدادهای ممکن به آسانی دلخراش و خشمگین و متاثر گردد منظورم اینست که شما همین اکنون ملاحظه نماید که ما در چه وضیعت و حالتی قرار داریم در وضیعت و حالت مواجهه به

تهدید و شانتاژ که از جمع این تهدیدات به چنان تهدیداتی مواجه هستیم که هر آن احتمال وقوع آن می‌رود از جمله دوتهدید فوق العاده مد هس و هولناک که به معنی واقعی کلمه بقای گونه (species) و زنده جان ها را تهدید می کند و این هردو تهدیدات در حال تشدید قرار دارند یکی از این تهدید خطر درگیری جنگ هستوی است که کاملاً جدی تلقی می‌گردد و وقوع آن دور از احتمال نیست و تهدید دومی فاجعه محیط زیست است که از هر نقطه نظر شوم و فاجعه بار است .

ترس از این است بگونه مثال شما یک بار به وکلا و نمایندگان جدید کنگره توجه نماید که آنها در ماه نومبر گذشته منکر آن شدند که محیط زیست و یا آب و هوا مواجهه به خطر است و نخواستند تا بغرض بهتر شدن محیط زیست یک بودجه حد اقل را منظور نمایند ایا این خود تاسف آور نیست که ایشان چونکه خود را نمایندگان و مومنان واقعی مردم میدانند چنین طرز تفکر دارند و یا اینکه یکی از روسای کمیته فرعی کنگره که خود جمهوریخواه است در مورد محیط زیست چنین توضیح میدهد و آن اینکه گرم شدن محیط زیست اصلاً کدام پرابلمی را بوجود نمی آورد چنانچه خداوند متعال به حضرت « نوح » وعده سپرد که دگر سیلاب نخواهد آمد و جای تاسف در اینجا است که دگر اعضای کنگره به اظهارات این نماینده هم قول وهم نظر بودند – پس این نوع نظریات و رخدادها و وقایع نه تنها که بشا شیت و شادابی من را زایل می سازد بلکه شادابی هر شخص متفکر و چیز فهم را مغشوش می سازد .

جریمی پاکسمن : اما شما چرا در مورد همچو اشخاص احمق فکر می کنید و خود را متاثر می سازید ؟

نوآم چامسکی : کدام مردم احمق ؟ این مردم دارای توان و قدرت بلندی اند و کسانی اند که در حال حاضر مصروف انجام عملیات و اجرات اند ، اینها اند که تلاش می ورزند و برای انجام و اجرات همچو جنایات و بازی های غیر انسانی بودجه و پول تمویل و تصویب میدارند علاوه

بر این اینها کسان ی اند که توسط قدرت های عمده و بزرگ مالی و تجاری حمایت و پشتیبانی میگردند یعنی از جانب لابی های بزرگ تجار و سرمایه داران بگونه مثال آنها بغرض اشاعه و تبلیغات مبنی بر اینکه در آینده ها چیزی خطر رخ نمیدهد و یا بغرض متقاعد ساختن و یا اغفال مردم تابتوانند سود بیشتر ببرند پول و بودجه هنگفتی رادرین بخش تمویل می نمایند .

در اینجا بسا موضوعات دگر نیز وجود دارد که قابل تشویش است مثلاً اگر شما تصادفاً به این اشخاص و یا این مجریان ترس و جنایت بنگرید یعنی به این اشخاص احمق و نادان در خواهید یافت که اینها در مقامات بلند تصمیمگری جا بجا اند و ازجانی اگر دقت نماید ما همین اکنون در وسط یک بحران عمیق مالی و اقتصادی قرار داریم و مردم ما کاملاً این را میدانند و احساس میکنند و شما در خواهید یافت که در عقب این نابسامانی ها تعدادی از متعصبین فوق العاده افراطی مذهبی قرار دارند که آنها را بنام حامیان « نظریه بازار کارایی و موثر آزاد » می نامند . این متعصبین افراطی در بخش های بلند اقتصادی و در بخش های فدرال براریکه قدرت تکیه زده اند ، در نتیجه میتوان گفت که آنها به ارزش «8» تریلیون دالر حباب مسکن را توسعه داده اند که به هیچ اصول برابر نبوده و بطور کامل از تاریخ صد ساله ای قیمت خانه و مسکن بفرسنگ ها دور و بعید به نظرمی آید و به این پرابلم عمده و نگران کننده نه کدام کارشناس ماهر نه بانک مرکزی و نه هم کدام شخص دولتی و فدرال نه تنها که دست به کدام عمل اصلاحی نمی زنند بلکه اصلاً به آن توجه ندارند قسمیکه آنها میگویند که لزوم ندارد تا درین مورد نگران بود چونکه بازار دادوستد سود و نفع شان گرم و در چلش است منظورم اینست : که این چیزها از آنچه که خداوند متعال قرار گفته آن کانگرس مین به حضرت « نوح ع » وعده سپرده بود که دگر سیلاب نخواهد آمد بسیار از هم متفاوت اند .

جریمی پاکسمن: باتشکر زیاد از شما که وقت گرانبهای تان را صرف نمودید . ----- با تقدیم درودها